

سرچشمه‌ی زیبایی از منظر مولانا و هاپکینز

زهرالسادات قریشی^۱، محمدیوسف نیری^۲، فریده پورگیو^۳

^۱ مدرس زبان و ادبیات فارسی دانشگاه باهنر و دانشگاه فرهنگیان شیراز

^۲ استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز

^۳ استاد بخش زبان‌های خارجی و زبان‌شناسی دانشگاه شیراز

چکیده

زیبایی همواره از موضوعات مابه‌الاشتراک اهل عرفان و هنر و ادب است که گاهی آن را در اثر جسته و به گونه‌های مختلف به وصفش پرداخته‌اند و گاه درون ناظر و مُدرک زیبایی و با یک دیدگاه عارفانه به آفریننده‌ی زیبایی نسبت داده می‌شود. این پژوهش بر آن است که سؤالاتی را پیرامون موضوع زیبایی در اندیشه‌ی جرالد منلی هاپکینز، عارف انگلیسی و مولانا جلال‌الدین بلخی که دو شاعر از دو سرزمین و دو سنت ادبی- فرهنگی متفاوت هستند، بررسی کند. این که زیبایی در بیان این دو چگونه و در چه نموده‌ها، نمادها یا تمثیل‌هایی مشاهده و تصویر می‌شوند، درک و دریافت این زیبایی از چه طریقی صورت می‌گیرد و سرچشمه‌های آن چیست، از مسائلی که در این جا بدان پاسخ داده می‌شود. روشی که ضرورتاً برای این کار اتخاذ گردیده روش ترجمه، پژوهش و تحلیل شواهدی از شعر هر دو شاعر است. حاصل پژوهش بر آن است که هر دو زیبایی را بیشتر در پیوند با درون و امور درونی مطرح می‌کنند و بر آنند که به تناسبی که فرد به روشن‌بینی، عشق و زیبایی درون می‌رسد، عکسی از آن زیبایی را در عالم بیرون هم مشاهده می‌کند. هر دو شاعر سرچشمه و خاستگاه زیبایی را به طریقی سلسله‌مراتبی به جان، عالم بالا، خداوند و مسیح به عنوان نیروی نهان در پس پدیده‌های زیبای این جهان معرفی می‌کنند. بیشترین نموده‌های زیبایی در شعر این دو به طبیعت مربوط می‌شود که البته در شعر هاپکینز جزئی‌تر و موارد گسترده‌تری را به جهت طرح مفهوم خاص فطرت شامل می‌شود که بدان می‌پردازیم.

واژه‌های کلیدی: زیبایی، مولوی، هاپکینز، درون، طبیعت.

مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه

دوره ۴، شماره ۲، بهار ۱۳۹۷، صفحات ۲۶-۴۵